

نقش جامعه در تربیت اخلاقی دانش آموزان

زینب زاهری*، عادل دریا^۲، فرامرز زاهری^۳، پیمان مرتضی زاده^۴

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی
zinabzaheri65@gmail.com *

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی
Bandar53@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی
Faramarz.zaherii@gmail.com

۴- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی
Seyyd.peyman@gmail.com

چکیده

آموزش و پرورش و دانش آموزان در هر کشوری نقش بسیار اثرگذاری دارند. هر کشور پیشرفته ای می داند که برای پیشرفت بیشتر و داشتن جامعه و در نهایت مردمی بهتر باید روی آموزش و پرورش سرمایه گذاری کند. مرکز ثقل آموزش و پرورش دانش آموزان آن می باشند که از آنان به آینده سازان مملکت تعبیر می شود. مهمترین وظیفه آموزش و پرورش، پرورش یا همان تربیت دانش آموزان می باشد. چراکه علم آموزی در اولویت بعدی قرار می گیرد. جامعه ای که مردمانی عالم اما بی اخلاق داشته باشند به تباهی کشیده خواهد شد. به همین منظور باید با دقت برای تربیت اخلاقی دانش آموزان تلاش کرد. یکی از موثرترین عوامل در تربیت دانش آموز جامعه می باشد. وی از جامعه اطرافش تاثیر می پذیرد و در نهایت تبدیل به فردی می شود که جامعه او را به سمتش سوق داده است. به همین ترتیب بر آن شدیم تا با تحقیق و بررسی نقش جامعه را تربیت اخلاقی دانش آموزان دریابیم. روش تحقیق از نوع کتابخانه ای می باشد که با بهره گیری از منابع معتبر انجام گرفت. در نهایت پس از بررسی های انجام شده دریافتیم که معلمان نقشی پر رنگ و الگویی در زمینه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و از همه بیشتر در زمینه اجتماعی کردن دانش آموزان در زندگی آنان نقش دارند و باید زمینه های مناسب را برای معلمان و دانش آموزان فراهم کرد تا بتوانند از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی رشد کرده و نیازهای خود و جامعه خود را برآورده سازند.

واژگان کلیدی: اخلاق، دانش آموز، تربیت، جامعه.

۱- مقدمه

امروزه به دلایلی از جمله سرعت شگفت انگیز ارتباط و تبادل اطلاعات از جهان انسانی باهمه وسعت آن ، به عنوان دهکده جهانی نام برده اند. سرعت انتقال داده ها و اطلاعات علمی و فرهنگی به گونه ای است که گویا مرزهای زمانی و مکانی را در نوردیده است و در اندک زمان ممکن فراتر از مرزهای جغرافیایی فرهنگ های اصیل و غیراصیل ساکنان کره خاکی را تحت سیطره نفوذ و تأثیر سازنده ویا ویرانگر خود قرار داده است از آن جا که فرهنگ هر قوم و ملت خمیر مایه حیات ادبی ، و سرچشمه تراوش دانش و معرفت و از ارکان بقاء و ثبات آن قوم و ملت به شمار می رود ، شناخت به روز آسیب ها و آفات و بیماری های فرهنگی به منظور پیشگیری مناسب و به موقع و حداقل به منظور انتشار بانگ هشدار باش و اعلان آهنگ بیدار باش در مقابل هجوم فرهنگی خسارت بار بیگانگان امری مهم و ضروری به نظر می رسد. در این راستا لحظه ای درنگ و غفلت و بی توجهی جامعه را چه بسا گرفتار بحران هویت فرهنگی گرداند(رهنمایی، ۱۳۸۹).

فرهنگ عبارت است از مجموع موارد اجتماعی که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد یعنی آداب و سنن ، اخلاق و رسوم اخلاقی ، فلسفه ، هنر ، ادبیات ، علم و مجموعه ابداعات و اختراعات انسان به صورت وسایل زندگی و ابزار تولید در هر جامعه ای

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

فرهنگ آن جامعه به حساب می‌آید. فرهنگ دو جنبه مادی و محسوس و غیر مادی و نامحسوس مانند (فکر و عقیده) دارد. شکاف در سازش بین فرهنگ مادی و غیر مادی به پس افتادگی فرهنگ منجر می‌شود همچنین پس افتادگی می‌تواند ناشی از تفاوت‌های گروهی و طبقات اجتماعی باشد تجارب عملی و افکار و عقاید یعنی فرهنگ مادی و غیر مادی، تنها با ایمان به ارزش آنها ادامه می‌یابند (فرجاد، ۱۳۸۷). معلم در فرهنگ معین، تعلیم دهنده و آموزنده، معنی شده است و در فرهنگ عمید، تعلیم دهنده، آموزاننده و آموزگار و در لغت نامه دهخدا نیز آموزنده، آموزاننده، تعلیم دهنده، آموزگار و شیخ معنی شده است. امروزه در نظام‌های آموزشی و پرورشی جهانی معلم به معنی خاص به کسی اطلاق می‌شود که واجد ویژگی‌ها و صلاحیت‌های مشخص بوده و حرفه و شغل او تعلیم است (اسدی گرمارودی، ۱۳۹۲).

آسیب‌شناسی فرهنگی طبعاً به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. آسیب‌هایی این چنین صرف نظر از میزان تخریب و خسارتی که بر مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، آن چنان در متن فرهنگ اصیل آن ملت یا جامعه رسوخ می‌کنند که از درون هسته مقاومت افراد را در برابر مفسد و آسیب‌های فرهنگی تضعیف و آسیب‌پذیر می‌گردانند این قبیل کنش‌ها رفته رفته نهادینه شده حکم آداب و سنن حاکم بر جامعه را پیدا می‌کند و در نتیجه به استحاله فرهنگی و سرانجام به شکل‌گیری فرهنگی از نوع جدید می‌انجامد که با فرهنگ اولیه و اصیل تفاوت بارز دارد. خطر کم رنگ شدن ارزش‌های والای فرهنگی و یا حتی خطر نابودی فرهنگ اصیل و بنیادین جوامع اسلامی ممکن است از درون و بطن جامعه متوجه ساختار فرهنگی جامعه شود، همان گونه که می‌تواند از پذیرش و یا آمادگی برای پذیرش ارزش‌های وارداتی فرهنگ بیگانه ناشی گردد (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

به هر حال بحث از عوامل و عناصر آسیب‌رسان فرهنگی و یا بحث از ساختار آسیب‌پذیری فرهنگ به قالب و زمینه آسیب‌شناسی فرهنگی مربوط می‌شود. همان طور که بحث از ریشه‌ها و عوامل زمینه‌ساز رسوخ فرهنگ وارداتی در آسیب‌شناسی فرهنگی جای می‌گیرد (رهنمایی، ۱۳۸۹).

ساختار نهادها و سازمان‌های فرهنگی ما مشتری‌مدار است و همین امر باعث شده است که تقریباً کلیه فعالیت‌های فرهنگی، بدون مطالعه و فاقد هدفمندی باشد. ما هم در زمینه نظریه‌ها و هم در زمینه عملکرد به علت فقدان پویایی فرهنگی، مجبور به تسلیم در مقابل سیل تولیدات فرهنگی کشورهای بیگانه شده ایم به درستی، گویی که گردونه‌ی درهم‌کوبنده‌ی صنعت فرهنگی بی‌آنکه نیروی محرکی داشته باشد در سراشیبی افتاده است. نگاهی به محصولات فرهنگی و نوع مصرف‌شوندگان در سال‌های گذشته، خود نشان دهنده موفقیت این سرکوب مرگبار است (فرجاد، ۱۳۸۷).

۱-۱- بیان مساله

در هر کشور آینده‌سازان و نورچشمان، دانش‌آموزان هستند و احاد امور در جهتی قرار می‌گیرد که آنان را به سمت سویی بهتر برای تبدیل شدن به انسان‌هایی بهتر هدایت کند. اخلاق و تربیت دانش‌آموزان به عنوان افراد جامعه فردایی بسیار حائز اهمیت می‌باشد و نقش جامعه در این امر قابل چشم‌پوشی نمی‌باشد. به همین منظور در این مقاله به بررسی نقش جامعه در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان می‌پردازیم.

۲- یافته‌ها

در ایران، اولین آسیب این عملکرد شوم صنعت فرهنگ، حذف آگاهی کهنسال موجود در فرهنگ فارسی برای تشخیص کیفیت آثار هنری است. بنابراین توجه به امر تعلیم و تربیت در پیشگیری از آسیب‌های فرهنگی امری ضروری به نظر می‌رسد. جامعه‌ی کنونی ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند دگرگونی در روش‌های تبلیغی و تربیتی به منظور پرورش نسلی سازنده، خلا، مستقل

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مديريت آموزش و پرورش شهرستان ميناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

خداجو می باشد و این نیاز هنگامی بر آورده می شود که نگاه خود را به تربیت و روش هایی که به نام تربیت در خانه و مدرسه به کار می رود تغییر دهیم (فرجاد، ۱۳۸۷). عموماً فرهنگ یک جامعه یعنی راه های زندگی آن جامعه. فرهنگ به معنای آداب خوب نیز استعمال شده است. فرهنگ از نظر یک جامعه شناس شامل کلیه رفتارهایی است که در زندگی اجتماعی آموخته شده و از طرق گوناگون بین نسل های مختلف یا افراد یک نسل انتقال پیدا کرده است (شریعتمداری، ۱۳۹۲). فرهنگ مجموعه پیچیده ای است که شامل، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانینی، سنن و بلاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی که فرد به عنوان عضو جامعه خود فرا می گیرد (مرتضوی و دیگران، ۱۳۸۸). تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن اجتماعی و سیاسی حیات طبیه. تربیت اقتصادی و حرفه ای؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متریبان در مسیر تحقق شأن اقتصادی و حرفه ای حیات طبیه (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

مطالعه فرهنگ و عناصر عمده آن برای هر فرد لازم و ضروری است، اما پیش از همه معلم باید به فرهنگ جامعه آشنا باشد. مدرسه هدف خود را از جامعه می گیرد و یکی از وظایف مدرسه آشنا ساختن افراد به فرهنگ جامعه است. بنابراین، برای اینکه معلم بهتر ریشه و اساس هدف های تربیتی را درک کند و با وضع صحیح تری شاگردان را به امور فرهنگی آشنا سازد، باید مطالعاتی عمیق و اساسی درباره فرهنگ جامعه داشته باشد. تهیه برنامه تعلیماتی و انتخاب مواد مفید و لازم، کار مدرسه و معلم است. در هر جامعه منبع قدرت و منشا افکار و عقاید، اموری خاص می باشند. در جامعه ای علم و منطق هادی و راهنمای افراد در رفتار و عقاید و افکار آنهاست، در جامعه دیگر آداب و رسوم و سنت های گذشته حاکم بر اعمال و افکار می باشند؛ در یک اجتماع عقاید دینی به طور موثر نفوذ دارند و در جامعه دیگر هر یک از این عوامل در حد خود در افکار و نظریات و عادات مردم تاثیر دارد. بنابراین معلم باید کاملاً به وضع فرهنگی و اجتماعی آشنا باشد تا بهتر بتواند وظیفه تربیتی خود را انجام دهد (شریعتمداری، ۱۳۹۲).

هدف عمده آموزش توانا کردن دانش آموز برای تصمیم گیری ها در زندگی روزمره است به همین دلیل دانش آموز باید، در فرآین آموزش، مهارتهای لازم برای خود ارزیابی کردن را نیز فرا بگیرد. آگاه شدن دانش آموز در فرایند ارزشیابی خود او را به فرد آگاهی تبدیل می کند که به فراشناخت رسیده است که میتوان معلم را به عنوان الگوی یادگیری دانش آموز معرفی کرد (رستگار، ۱۳۸۲). بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه ای دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می کند و بالاخره در آن مستهلک می شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می دهد (شعبانی، ۱۳۹۱). فرهنگ و ارزش ها در تعیین رفتار انسانی، نقش کلیدی دارند و در اشکال گوناگون مانند مذهب، هنر، ادبیات، موسیقی و... آشکار می شود و در ارزش هایی که جوامع آن را گرمی می دارد، متبلور می گردند. فرهنگ و ارزش ها در واقع سازنده فضای اجتماعی است که توسعه انسانی در آن امکان پذیر خواهد بود و در نهایت سرمایه اجتماعی به ظهور خواهد رسید که اهمیت آن در توسعه پایدار کمتر از سرمایه اقتصادی و سرمایه فیزیکی نیست.

رهبر معظم انقلاب در تبیین فرهنگ اسلامی می فرماید: «فرهنگ مایه اصلی هویت ملت هاست. فرهنگ یک ملت است که می تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، نو آور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفت هایی که دیگران به آن تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته ای در مجموعه بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند (قربانی، ۱۳۹۰).

امروزه تکنولوژی مهم ترین عامل مؤثر بر دگر گونی های اجتماعی و فرهنگی است. دگر گونی های سریع تکنولوژی بیشتر در کشورهای صنعتی پیشرفته رخ می دهد. انتظار می رود که هر چه دگر گونی های تکنولوژی سرعت و شتاب بیشتری پیدا کند دگر گونی های فرهنگی ناشی از آن بیشتر شود (کوئن، ۱۳۹۵). معلمان باید قادر به ایجاد انعکاس در خود و در جامعه خود باشند و از بکارگیری تحلیل انتقادی در ایجاد پرسش های بنیادی درباره تقسیم نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زندگی خود و زندگی دانش آموزان خود آن چنان که آنها بتوانند همه برای مشارکت در جهان بزرگ آماده باشند آنها باید در تحلیل انتقادی ایدئولوژی

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مديريت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

ها، ارزشی‌ها و تمایلاتی که نقش آنها را آگاه می‌سازند توانا باشند آن چنان که معلمان و سیاست‌های فرهنگی را در کلاس ترویج نمایند. توانایی در تحلیل روابط خود با جامعه بزرگ در نظم برای درک انتقادی از خود به عنوان توانمندی نماینده‌های اجتماعی تأیید که آنها می‌توانند همدست با اشکال افسردگی و رنج انسان باشد. توانا در تحلیل عمیق نیروهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه خود مشارکت کنند؛ و آماده تخیل جامعه بهتر آینده و عمل در بوجود آوردنشان (اسکایرو، ۱۳۹۲). تغییر و توسعه وسایل ارتباطی برای دستگاه تربیتی با معلم، اموری را مطرح می‌کند. همان‌طور که وسایل ارتباطی مثل روزنامه، مجله، کتاب، فیلم، رادیو و تلویزیون روی عادات، تمایلات، افکار و عقاید افراد تأثیر می‌کنند؛ مریبان باید در مقابل تأثیر این عوامل در برنامه تربیتی نکاتی را در نظر داشته باشند. هر یک از این وسایل ممکن است اثر بد یا خوب روی فرد بگذارد، ضمناً استفاده از این وسایل آمادگی خاصی لازم دارد؛ از طرفی بیشتر این وسایل در دنیای امروز جنبه تبلیغاتی پیدا کرده است. بنابراین باید شاگردان مدارس را از لحاظ طرز تفکر انتقادی چنان مجهز نمود که بتوانند در مقابل این گونه وسایل و تأثیر آنها مقاومت کنند و در استفاده از آنها حسن انتخاب بخرج دهند (شریعتمداری، ۱۳۹۲). در برخی روایات، عالم و معلم پاسدار مرزهای فرهنگی مسلمانان شمرده شده‌اند. از آنجا که اسلام همواره مخالفانی دارد که تلاش می‌کنند حقانیت و مقبولیت عقاید، ارزشها و معارف آن را زیر سوال ببرند، لازم است گروهی از این مرزها مانند مرزهای جغرافیایی مسلمانان، حراست کنند. در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت: مقام و منزلت، معلم در متون دینی مقام و منزلت پیامبر است و همان نقش‌هایی را بر عهده دارد که پیامبران داشتند؛ یعنی نقش تبیین و ترویج معارف اسلامی، هدایتگری، روشنگری، و دفاع از مرزهای فرهنگی اسلام. از آنجا که نقش و مقام معلمان مهم و اساسی است، مسئولیت آنان نیز بسیار سنگین است؛ زیرا دو چیز گرانبها به امانت در اختیار آنان قرار داده شده است: نخست علم و فرهنگ اسلامی و دیگر، نسل جدید جامعه، نگهداری و حراست از این دو، نیاز به فداکاری و تلاش دارد. امام خمینی (ره) می‌فرماید: معلم امانت داری است که غیر همه امانتها، انسان امانت اوست (داوودی، ۱۳۹۰).

محیطی که کودک در آن متولد می‌شود و رشد می‌یابد مهم‌ترین نقش را در چگونگی رفتار دوران کودکی او دارد و از آن مهم‌تر عمیق‌ترین تأثیر را در رفتار او در عصر جوانی خواهد گذاشت. با توجه به اینکه کودک موجودی انعطاف‌پذیر و مانند موم نرم و قابل‌پرورش به هر شکلی است بنا بر این نوع آموزش و پرورش خانواده مهم‌ترین تأثیر را در تشکیل شخصیت اولیه کودک خواهد داشت و والدین و دیگر اعضای خانواده می‌توانند کودک را به هر شکلی که خود بخواهند تربیت کنند ولی این نکته را نباید فراموش کرد که بعد از سن ۵ تا ۶ سالگی کودک علاوه بر ارتباط متقابل با اعضای خانواده با افراد دیگری در خارج از خانواده چون مدرسه، همبازی‌ها، دوستان و معلمین نیز دارای روابط و کنش و واکنش‌های متقابل است و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و در آن‌ها تا حدی تأثیر می‌گذارد بنابراین به طور قاطع نمی‌توان محیطی را که کودک در آن پرورش می‌یابد کاملاً قابل‌کنترل دانست و حتی کنترل کودک بیش از حد متعادل ممکن است در آینده او تأثیر نامطلوب گذارد. کودک باید بر مقتضای شرایط اجتماعی و تربیتی جامعه‌ای که می‌خواهد در آن زندگی کند پرورش یابد، چنانچه والدین غیر از این توقع داشته باشند وقتی کودک به محیط خارج از خانواده راه یابد خود را در حالت نامتعادل و ناسازگاری خواهد یافت که ممکن است در ارتباط او با دیگران تأثیر نامطلوب گذارد (فرجاد، ۱۳۸۷). در جامعه اسلامی ما این وظیفه مهم بر عهده انسان‌های شریف، قانع و وظیفه‌شناسی است که از سر تعهد و دلسوزی به ساختن و شکل‌دهی استعداد‌های مومن و کاردان مشغولند. مردم ما نیز از آن‌جا که به نقش این طبقه فرهیخته، آگاهنده، همیشه از کارشان تقدیر می‌کنند و حتی روز مشخصی را هم به نام ((روز معلم)) تعیین کرده‌اند. به همین مناسبت لازم است که درباره ((نقش معلم در جامعه)) مطالبی را با معلمان عزیز در میان بگذاریم. در آغاز قرن بیست و یکم، به تعلیم و تربیت بیش از گذشت توجه شده است تا جوامع بشری بتوانند با ایجاد تحول و افزایش کارایی‌های و کفایت در این زیرمجموعه نظام‌های اجتماعی، با چالش‌های موجود به گونه‌ای سازنده روبرو شوند و برای عبور از آنها بستری مناسب‌تر، کارسازتر و موجه‌تر در اختیار داشته باشند. به دیگر سخن، بشر امروز به خوبی دریافته است که تحول در آموزش و پرورش پیش‌نیازی است برای پاسخ‌گویی به چالش‌های علمی، صنعتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی و دستیابی به توسعه پایدار. اولویت اول به معلم تعلق می‌گیرد. چون، کارگزار اصلی تعلیم و تربیت به حساب می‌آید و تحقق اهداف متعالی نظام و تربیت، در

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

هر بعد و اندازه ای که باشد، با واسطه معلم صورت می پذیرد. آنچه دانش آموزان کسب می کنند، بیش از هر چیز، متأثر از خصوصیات، کیفیات و شایستگی های علمی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی معلمان است. کافی است بر محورهایی که بر تغییر و تحول در نظام های تعلیم و تربیت در سطح ملی و بین المللی مطرح شده اند نگاهی، هر چند گذرا، داشته باشیم تا دریابیم بدون در نظر گرفتن جایگاه ویژه برای عنصر معلم، هیچ یک از خواسته ها تحقق نخواهد یافت (رووف، ۱۳۷۹).

محیط خانه اولین و با دوام ترین عاملیست که در رشد شخصیت افراد تأثیر می نماید چنانچه کودک خصوصیتی را از والدین خود به ارث می برد و از این راه پدر و مادر زمینه رشد و پیشرفت افراد را فراهم می نماید. نفوذ والدین در بچه ها تنها محدود به جنبه های ارثی نیست. در آشنایی کودک به زندگی جمعی و فرهنگ جامعه نیز خانواده نقش مؤثرتری را اجرا می نماید. موقعیت اجتماعی خانواده، وضع اقتصادی آن، افکار و عقاید، آداب و رسوم، ایده آله و آرزوهای والدین و سطح تربیت آن ها در طرز رفتار کودکان نفوذ فراوان دارد. چنانچه می دانیم خانواده ها در زمینه اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، دینی، هنری و مانند این ها با هم اختلاف دارند. شکل ارتباط خانواده ها، طرز ارتباط اعضاء هر خانواده با یکدیگر و جامعه ای که خانواده در آن به سر می برد در تمام موارد یکسان نیست. بنابراین تأثیر خانواده ها در رفتار افراد مختلف است (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

کلاس درس به عنوان یک سیستم اجتماعی، محلی برای تعلیم و تربیت است. دانش آموزان به عنوان یک گروه اجتماعی دارای باورها، هنجارها، و ارزش های مشترکی هستند طوری که اصطلاحاً به آنان یک اجتماع کوچک می گویند. اگر به ویژگی ها، خواسته ها، نیازها و باورهای این گروه اجتماعی در فرایند یاددهی-یادگیری توجه نشود و فضا و محیط آموزشی به نحو مطلوب مدیریت نگردد فعالیت های آموزشی و پرورشی اثر بخشی و کارایی خود را از دست خواهد داد (شعبانی، ۱۳۹۱). دنیای امروز احتیاج به افرادی دارد که فکر و خرد را حاکم بر اعمال و افکار خویش قرار دهند. استقلال فکری، دارا بودن طرز تفکر انتقادی، داشتن سعه صدر یا روح تسامح و تحمل، فهم بین المللی و اجرای وظایف فردی و اجتماعی مستلزم داشتن رشد فکری است. رشد فکری نیز در سایه تعلیم و تربیت صحیح در میان افراد رسوخ پیدا می کند (شریعتمداری، ۱۳۹۳). در لایه برداری سطوح مختلف و نگاه عمیق و دور از غرض ورزی نخستین گام در تحول در آموزش و فرهنگ و اقتصاد است. پرورش خوب نسل نوپا بازبینی نحوه تربیت در خانواده ها و به موازات آن تحول در سیستم آموزش کشور از الف تا ی در ساخت یک فرد مقتدر ضروری است. برای نسل حاضر ایجاد انگیزه و بستر سازی مناسب برای ارتباط سودمند در بین آنان گامی مؤثر در پویایی، تحول در فرهنگ و اندیشه، رشد و شکوفایی کمالات آدمی است (شفائی، ۱۳۹۳). یکی از صلاحیت های حرفه ای معلمان داشتن صلاحیت های عمومی است که مهمترین آنها رابطه معلم و شاگردی است. باید بر رابطه معلم و شاگردی بیش از پیش تأکید کرد و امید داشت این رابطه، تحولات مهمی را در پی داشته باشد. شاگردان، عموماً در نتیجه تماس با معلم از نظر فکری متحول می شوند. این تحول مهم است زیرا هیچ کس نمی تواند بدون تفکر، زندگی خوبی داشته باشد. تعلیم و تربیت باید به گونه ای باشد که در آن شاگرد و معلم به رغم تفاوت در نوع و میزان دانش، در شرایط یکسانی از مناسبات انسانی باشند و هر کس در این ارتباط هم یاد دهنده و هم یادگیرنده باشد. چنین ارتباطی، به جای رقابت، بر همکاری که تجارب یادگیری مثبت تری را برای دانش آموزان در بردارد تأکید می کند. بهبود رابطه دانش آموزان با یکدیگر و نیز رشد دائمی «عزت نفس» در ایشان، از نکات مورد توجه این معلمان است (شیرکایی و دیگران، ۱۳۹۲). محبوبیت معلم از دیگر شرایط لازم برای تأثیرگذاری بر شخصیت دانش آموزان است و بدون این شرط، تأثیر معلم در بهترین حالت محدود به ذهن و شناخت دانش آموز است. محبوبیت معلم به او این امکان را می دهد تا به آسانی موانع تبدیل باور ذهنی به ایمان قلبی را از میان بردارد و بدین تربیت، بذر باورهای دینی را در روح و قلب دانش آموزان به بار بنشانند (داوودی، ۱۳۹۰). بازسازان اجتماعی بر این باورند که معلمان باید برای آمادگی، نیرومندی، روشنگری و رویه اجتماعی، رهبری، آمادگی و صلاحیت برای چالش با قدرت تمایلات خود پسندانه و با دفاع کردن از انگیزه توده مردم واجد شرایط باشند. این هم بدان معنی که معلمان باید افرادی باشند که در تب و تاب در جهت آگاهی از بی عدالتی و تصمیم به تصحیح آن باشند و این که معلمان باید به شکل سنجیده ای به قدرت و آنگاه بیشترین قدرت نائل شوند و این که معلمان باید بیش از آن که پیروان باشند، باید رهبران باشند (اسکایرو، ۱۳۹۲). یکی از وظایف عمده موسسات تربیتی آماده کردن افراد جهت زندگی اجتماعی است. برای اینکه افراد بتوانند به طور مؤثر در

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

زندگی اجتماعی شرکت کنند باید واجد شرایط و صلاحیتهای خاصی باشند. به عبارت دیگر تا افراد یک جامعه مهارتها و عادات معینی را در خود رشد ندهند نمی توانند وضعی توأم با موفقیت و رضایت خاطر در زندگی اجتماعی برای خود بوجود آورند (شریعتمداری، ۱۳۹۲).

تعلیم و تربیت و تغییر اجتماعی؛ پرسش از چگونگی بازسازی اجتماعی (دیدگاه آنهایی که از طریق اقلیت جامعه حفظ می شوند) جامعه را از آنچه که برای آن بهترین است متقاعد می سازد و بنابراین به وجود آوردن توافق اجتماعی مطلوب، پرسش ها رادرباره مسئولیت مدنی مربیان در جامعه ای که آنها خدمت می کنند، تعهد در امور سیاسی، و اجتماعی سازی، فرهنگ پذیری، یا تلقین اکثریت اجتماعی از طریق یک اقلیت افزایش می دهد. این پرسش ها به این دلیل ایجاد می شدند که بازسازان اجتماعی باور دارند که بینش آنها در ماهیت جامعه و آنچه برای توده مردم خوب است، مافوق و متفاوت از توده مردم است و آنها باور دارند که شغل آنها در انتقال پایه دانش و ارزش های جامعه آن چنان که موافق با ارزش های خود هستند، است (اسکایرو، ۱۳۹۲).

اگر تربیتی اصولی و دل پذیر در خانه، مدرسه و جامعه صورت گیرد قطعاً در برابر آسیب ها و تهاجم فرهنگی ایستادگی می کند و تسلیم نخواهد شد. سهم بزرگی از تربیت از طریق دیداری و چشم فرزندانمان صورت می گیرد. از طریق رفتار و کردار ما والدین، تربیت در وجود بچه هایمان نقش می بندد. اگر بخواهیم با دستورات کلیشه ای و تقلیدی، با گفتن ها، با نصیحت کردن ها، با ترساندن ها، با پر خاشگری، با بی احترامی، با وعظ و خطاب، با انتقاد، با سلطه جویی، با اعتماد نکردن، با دخالت های متمادی، با محبت های افراطی و تفریطی، با تربیت های عاریه ای، با تربیت های گلخانه ای، با تربیت های تحمیلی و..... فرزندان خود را تربیت کنیم، آن ها را مجاله می کنیم، آن ها را جمع می کنیم، سر در گم می کنیم و از زندگی طبیعی و حقیقی می اندازیم. مسئولیت ما والدین این است که برای فرزندانمان الگوی مناسبی باشیم و از جلو حرکت کنیم. چشم بچه ها به کردار و رفتار ماست. پدر، مادر ما اول باید خود تربیت شویم، باید خود تزکیه شویم، این نیست که چون ما بزرگتریم، صدایمان بلندتر است، قدرت تنبیه داریم، فقط باید دستور دهیم و بگوییم و آن ها اجرا کنند. آن گاه ما انسان تربیت نکرده ایم. حاصل تربیت ما یک عده آدم لجباز، خطاکار، آب زیر کاه، بد جنس و موذی خواهد بود. این نکته را باید به خوبی در نظر داشته باشیم که سر و کله فرزندان ما پر از چشم و دوربین های ظریف و دقیق است و مرتب به صورت شبانه روزی این دوربین ها روشن است و در حال نقش گیری و شکل گیری است. تربیت دیداری است نه شنیداری، تربیت کرداری است نه گفتاری. با فرزندان خود آن طور رفتار کنیم که دلمان می خواهد آن ها با ما رفتار کنند (رادمنش، ۱۳۸۹).

۳- بحث و نتیجه گیری

در این ابتدا به بررسی آسیب های فرهنگی و اجتماعی حال حاضر و همچنین بررسی معنا و مفهوم فرهنگ پرداختیم و سپس به بررسی نقش اساسی تعلیم و تربیت در این موضوع اشاره شد. در نهایت اینکه مشخص شد که مربیان تعلیم و تربیت که متولیان این امر مهم هستند باید ابتدا الگویی شایسته برای فرزندان باشند و فضایی سرشار از صمیمیت و محبت قرار دهند تا فرزندانمان به دور از هر تندی و فشار ارزش ها را بپذیرند و اعتقادات و باورهای مهم زندگی را برای فرزندانمان تشریح کنند و خود را نسبت به اجرای قوانین و مقررات پای بند بدانند و همیشه و در همه حال از نوجوانان و جوانان بخواهند ارزش ها و اعتقادات را مهم بدانند و از تعلیم و تربیت صحیح غافل نشوند. والدین عزیز باید بدانند که تربیت پرهیزی به مراتب از تربیت تجویزی، دستوری و نسخه ای اثر بخش تر است و مطمئن باشند تربیت و خاموش از تربیت گویا مؤثر تر است به خدا توکل کنند و برای فرزندان خود آرزوهای مثبت داشته باشند و آن گاه منتظر مردان و زنان فاخر و ارزشمند جامعه ای با فرهنگ والای ایرانی و اسلامی باشند. انتخاب معلمان متعهد و دلسوز و علاقه مند به شغل معلمی و مهم تر از همه سرمایه گذاری کلان در امر تربیت کودکان نوجوانان و جوانان؛ به صورت زیر بنایی، جامعه ای سالم و پرتحرک و مقید به ارزش های انسانی و اسلامی را نوید می دهد. پس موفقیت معلمان در تربیت، علاوه بر اینکه نیازمند خودسازی درونی است به وجود نهادهای تربیت معلم قوی در یک نظام تعلیم و تربیت نیز متکی است. در نظام تعلیم و تربیت امروزی، معمولاً تقسیم کار است و در مدارس، متولی آموزش

هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مديريت آموزش و پرورش شهرستان ميناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

غیرازمتولی تربیت است. به لحاظ اداری، معلمان تنها وظیفه تعلیم را به عهده دارند و مربیان و نهاد تربیتی مدرسه وظیفه تربیت را پس می‌توان نتیجه گرفت که معلمان نقشی پر رنگ و الگویی در زمینه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و از همه بیشتر در زمینه اجتماعی کردن دانش آموزان در زندگی آنان نقش دارند و باید زمینه‌های مناسب را برای معلمان و دانش آموزان فراهم کرد تا بتوانند از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی رشد کرده و نیازهای خود و جامعه خود را برآورده سازند. راهکارهایی جهت مقابله با آسیب‌های فرهنگی-اجتماعی:

۱. آگاهی رسانی از رشد و پیشرفت کشور
۲. تبیین اهداف فرهنگ سازان غربی
۳. تقویت روح افتخار، هویت و خود باوری
۴. معرفت افزایی دینی و ملی
۵. تصویر سازی متناسب با انگاره های بومی
۶. اهتمام با ایجاد و تقویت نظام خانواده اسلامی
۷. اهتمام به تعلیم و تربیت اسلامی نوجوانان و جوانان و افزایش تقوای عمومی
۸. بصیرت افزایی و شناخت جامع ابعاد تهاجم فرهنگی

منابع

- اسدی گرمارودی، اسد الله، شریف زاده، علی (۱۳۹۳). دانشگاه فرهنگیان قلهٔ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (واقع نگاری تأسیس)، چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی برهان (انتشارات مدرسه).
- اسکاپرو، میشل استغان (۱۳۹۲). نظریه برنامه درسی دیدگاه های معارض و مسأله های مداوم، ترجمه خروشی، پوران، اطهری، زینب السادات، عشوریون، وحید و کلباسی، افسانه. شونار.
- داوودی، محمد (۱۳۹۰). نقش معلم در تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، شماره ۱۱، دوره ۹.
- رادمنش، محمدحسن (۱۳۸۹). تربیت دل پذیر دل تربیت پذیر. قم: مؤسسه زیتون.
- رستگار، طاهره (۱۳۸۲). ارزشیابی در خدمت آموزشی، چاپ اول. انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۹). نقش تعلیم و تربیت در پیشگیری از آسیب های اجتماعی، فصل نامه معرفت، شماره ۳۰.
- رؤوف، علی (۱۳۷۹). جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت واحد انتشارات.
- شرکای اردکانی، جواد، ریاحی نژاد، حسین و رزاقی، هادی (۱۳۹۲). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (راهنمای برنامه های درسی). تهران: نشر مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۲). جامعه و تعلیم و تربیت، چاپ بیست و چهارم. مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۳). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۱). مهارت های آموزشی و پرورشی، جلد اول. تهران: سمت.
- شفائی، نیلوفر (۱۳۹۳). مقاله نهادهای سازی فرهنگ دریچه ای روبه مدیریت نوین در راستای شکوفایی آموزش و اقتصاد. تهران.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۸۷). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات. انتشارات بدر.
- قربانی گلشن آباد، محمد (۱۳۹۰). فرهنگ و تهاجم فرهنگی. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کوئن، بروس (۱۳۹۵). مبانی جامعه شناسی، ترجمه توسلی غلامعباس و فاضل، رضا. تهران: سمت.
- مرتضوی، مهدی، قلی پور، آرین، پورعزت، علی اصغر و اشرفی، وحید (۱۳۸۸). مدیریت تغییر و تحول فرهنگ سازمانی از نظر تا عمل، همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.